نقش جهان/ دوره‌ی سوم/ شماره ۱
صفحات : ۱۸-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/ ۲٤
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۳/ ۲۵

جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آن‌ها در معماری معاصر*

Explanation of Regionalistic Viewpoints & their Evolution in Contemporary Architecture

قادر بایزیدی [۱]، ایرج اعتصام [۲]، فرح حبیب [۳]، سید مصطفی مختاباد امرئی [٤]

چکیده

منطقه‌گرایی، دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است که با تأکید بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان، برای هویت خاص منطقه در مقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است. مقاله حاضر در پی آن است که از رهگذر بررسی پیشینه و سیر تحول نظریه منطقه‌گرایی در معماری از طریق تحلیل دیدگاه صاحب‌نظران و مصادیق به تبیین رویکردهای غالب در این حوزه همت گمارد. روش تحقیق در این نوشتار بر مبنای روش کیفی و تحلیلی– تفسیری است و از شیوه اسنادی استفاده شده است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که نظریه منطقه‌گرایی از رویکردهای بومی‌گرایانه و تأکید بر برداشت‌های کالبدی و مباحث سبکی، شکلی و زیبایی شناسی منطقه، به سمت رویکردهای نوین و توجه به مباحث اجتماعی، فرهنگی، زیست‌بوم و ارتباطات انسانی تغییر رویه داده، در پی تعدیل اندیشه‌های تعصب‌گرایانه و محدودیت‌زای پیشین و تقویت نگرش تعاملی و استفاده از مزایای جهانی است. تأکید بر مشارکت مردم و طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت محلی در راستای تحقق توسعه پایدار، روش پائین به بالا در طراحی به جای روش متمرکز از بالا به پایین، توجه به نیازهای واقعی انسان و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و هنجاری در راستای مقاومت در برابر یکسانی محیط مصنوع، تقویت حس مکان، حفاظت خلاق به جای نگاه رجعت‌گرا، منطقه‌گرایی انتقادی و منطقه‌گرایی تعاملی از راهبردها و گفتمان‌های غالب منطقه‌گرایی در قالب رویکردهای *کالبدی، بوم شناختی و معنایی* به شمار می‌روند.

واژه‌های کلیدی: ***نظریه منطقه‌گرایی، مکان، منطقه‌گرایی انتقادی، منطقه‌گرایی تعاملی، معماری معاصر***

* این مقاله از مطالعات رساله دکتری قادر بایزیدی با عنوان "***جهانی سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران***" به راهنمایی جناب آقای دکتر ایرج اعتصام و مشاوره سرکار خانم دکتر فرح حبیب و جناب آقای دکتر مصطفی مختاباد امرئی استخراج گردیده که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به انجام رسیده است.

۱. دانش آموخته دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.-نویسنده مسئول E-mail: Q _Bayzidi @srbiau.ac.ir
۲. استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه معماری، تهران، ایران E-mail: Irajetessam@hotmail.com
۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه معماری، تهران، ایران. E-mail: F.habib@srbiau.ac.ir
٤. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران. E-mail: Mokhtabm@modares.ac.ir

۱. مقدمه

نظریه‌ی منطقه‌گرایی و توجه به شاخصه‌های منطقه دارای جایگاهی ویژه و سابقه‌ای دیرینه در سیر اندیشه‌های معماری است. توجه به این ارزش‌ها در دوره‌های مختلف تاریخ معماری با افراط و تفریط‌هایی همراه بوده و با اهداف مختلفی دنبال شده است که گاهی به عنوان ابزاری برای برتری‌جویی و تثبیت اندیشه‌های تعصب‌گرایانه و ملی‌گرایی افراطی به کار رفته، گاه به منظور تعدیل پیامدهای منفی دوره مدرن و در سال‌های اخیر در راستای مواجهه با پدیده‌ی جهانی شدن و یکسانی محیط، مورد توجه قرار گرفته است.

دوره معاصر تغییرات گسترده‌ای را در بیشتر حوزه‌ها و از جمله نظریه‌های معماری به همراه داشته، دیدگاه‌های متنوع و متکثری را مطرح نموده و در مواردی نیز به ظهور رویکردهایی نوین راجع به اندیشه‌ای دیرین و ریشه‌دار، انجامیده است. اینکه منظور از منطقه چیست و منطقه‌گرایی در معماری به کدام مؤلفه‌ها و ویژگی‌های منطقه‌ای اشاره دارد و نیز بررسی انواع رویکردها و سیر تحولات آن‌ها در سده‌های اخیر، بحث اصلی مقاله حاضر را در بر می‌گیرد.

۲. فرآیند پژوهش

۲-۱-سؤال پژوهش

۱- رویکردهـای نوین نظریـه منطقه‌گرایی در معماری معاصر و مؤلفه‌های مورد تأکید آن‌ها کدامند؟

۲-۲-روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و تکنیک «تحلیلی-تفسیری» و بر اساس دیدگاه نظریه پردازان و تحلیل مصادیق انجام گرفته است. در این راستا پس از بررسی پیشینه موضوع، دیدگاه‌های ارائه شده از سوی صاحب‌نظران به ویژه لویس مامفورد[۱]، الکساندر زونیس[۲]، لیان لفور[۳] و کنت فرامپتون[٤] به منظور تدوین مبانی نظری تحقیق، مورد کنکاش و تدوین قرار گرفته و انواع منطقه‌گرایی و رویکردهای مختلف آن همراه با مصادیق مربوطه بررسی خواهد شد که به ارائه مدل تحلیلی دیدگاه‌های منطقه‌گرایی منتهی می‌گردد.

۳. پیشینه پژوهش

قدمت آگاهی از معماری منطقه‌ای به عنوان شاخصه‌ای برای هویت گروهی خاص به یونان باستان بر می‌گردد. یونانی‌ها در متن سیاست کنترل و رقابت در شهرها و مستعمرات خود از عوامل معماری برای نمایش هویت گروه حاضر در یک منطقه استفاده کردند. مشخص‌ترین مرجع طراحی منطقه‌گرا، «ده کتاب معماری» ویترویوس است(Tzonis, 2003:11). تنوع معماری از دیدگاه ویتروویوس نتیجه ویژگی‌های فیزیکی، ذهنی و رفتاری مردم هستند (Eggener, 2002: 228). واژه منطقه‌گرایی از اواخر قرن هیجدهم به یکی از نظریه‌های اصلی نقد معماری تبدیل گشت. مطابق این دیدگاه معماری باید بر اساس فعالیت‌های ناحیه‌ای ویژه که بر اقلیم، جغرافیا، مصالح و سنت‌های فرهنگی بومی بنا شده‌اند، شکل گیرد (Colquhoun,2007: 146). نظریه‌پردازان در طول قرن‌های نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جنبه‌های فرهنگی و جغرافیایی منطقه را توسعه دادند و نوعی منطقه‌گرایی ملی‌گرایانه شکل گرفت (Eggener,2002:230) که بیشتر بر ویژگی‌های خودی تأکید داشت. «در دوران مدرن با وقوع انقلاب صنعتی و شکل گیری جهان‌بینی جدید نوعی معماری صورت گرفت که مدعی بود می‌تواند در تمامی نقاط دنیا به صورت هماهنگ و هم‌شکل اجرا شود. این گرایش با فاصله گرفتن از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و ویژگی‌های منطقه‌ای، خردگرایی محض و عقلانیت ابزاری را تبلیغ می‌کرد. از این رو نوعی معماری عملکردگرایانه رایج شد که از هنجارهای فرهنگی و سنتی فاصله معناداری داشت. این معضل در کشورهای جهان سوم به موضوعی حیاتی جهت حفظ و بقاءِ هویت فرهنگی ساکنان این کشورها مبدل شد که تحت عنوان جستجوی هویت مطرح گردید» (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹ الف: ۱۱٤) چنانچه به عنوان مثال در آثار شاخص معماری معاصر ایران بعد از انقلاب اسلامی، گرایش‌های تجدید حیات گرایانه و هویت‌گرا قابل شناسایی‌اند (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹ ب: ۱۰۱). پیامدهای ناشی از فناوری صنعتی، ارتباطات گسترده و وحدت سبک زندگی، تنوع را به حداقل رسانده و نوعی یکسانی، همگونی و بی‌مکانی را سبب شده، به حس ما از بوم و هویت آسیب رسانده است. توجه به شاخصه‌های منطقه‌ای به عنوان راهکاری برای مواجهه با این پیامدها، علاوه بر کشورهای در حال توسعه، درکشورهای توسعه‌یافته نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله، لفور

این بحث را در مورد امریکا تحت عنوان" طغیان منطقه‌ای"[5] مطرح نموده است. «جی بی جکسون[6]، یکی از پیشگامان فرهنگی کشور آمریکا در دهه ۶۰، عاشقانه به بررسی منظر، روش زندگی و جغرافیای جنوب غربی آمریکا پرداخت و معتقد بود که سبک بین‌الملل، نسل موما و سیام، به خاطر دیدگاه کوته فکرانه شان در مورد معماری، واقعیت‌های معماری بومی آمریکا را مورد غفلت قرار داده‌اند (Lefaivre, 2003:29). گرایش به منطقه‌گرایی در آمریکا در دهه ۱۹۶۰ به صورت جدی مطرح شد و این بیداری در کتاب‌هایی نظیر بهار خاموش[7] اثر راسل کارسون[8] و «معماری بدون معمار» برنارد رادوفسکی[9] به همراه آثاری چون مدرسه کوهستان‌هایستاک و پروژه سی رانچ[10] اثر چارلز مور انجام گرفت. این اعتراض‌ها از جمله واکنش‌های متعدد علیه معماری از بالا به پایین، ذهن‌گرایانه و سبک بین‌المللی معماران سیام به شمار می‌آیند مانند جنبش انسان‌گرایانه گروه ده و جنبش‌های مردمی (Lefaivre, 2003:31). رویکرد جدید به منطقه‌گرایی در سال ۱۹۸۱، در مقاله ای با عنوان «شبکه و مسیر[11]»، توسط الکساندر زونیس و لیان لفور مطرح شده است که در ادامه مقاله به آن پرداخته خواهد شد

٤. تعاریف و اصطلاحات

٤-١-تعریف منطقه

منطقه در اصل و ریشه خود به معنای خط، جهت و نیز ناحیه و بخش است. مشخصه منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه‌ای دال بر جغرافیا است. «این واژه ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه‌ها، ترکیب‌های متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده‌های سیاسی رجوع کند» (شایان و کامل‌نیا، ۱۱:۱۳۸۷). یک منطقه در ابتدا، حوزه وسیعی است که با معیارهای فرهنگی و طبیعی مشخص می‌شود. مرسوم‌ترین این معیارها اقلیم، عوارض زمین، محدوده‌های فرهنگی نظیر روش‌های خاص زندگی، الگوهای بهره‌گیری از زمین و سازماندهی، اقتصاد و بازار، کاربرد زبان و شیوه گفتگو، شیوه بارز مصالح مورد استفاده در ساختمان‌سازی و سبک‌های معماری هستند (canizaro,2007:18). هریس از واژه منطقه بزرگ، برای ارائه تعریف بهتری از منطقه کمک می‌گیرد. وی آن را مکانی غنی و در آمیخته با ذهنیت‌ها،آرزوها، تخیلات، بلندپروازی‌ها، منابع طبیعی و پیشامدهای اتفاقی می‌داند و آن را قرارگاه پر بار ذهنی تعریف می‌کند. از دیدگاه لویس مامفورد، می‌توان منطقه را از پایین به بالا، از کوچکترین واحد اسکان انسانی، حسب کارکردها، فعالیت‌ها و منافع و یا عمدتاً از بالا به پایین بر حسب شکل زمین، اقلیم، نباتات و حیات جانوری که باعث تمایز میان مناطق می‌شود، تقسیم‌بندی نمود. با اضافه شدن انسان به این تصویر و مؤلفه‌های تمایزآفرینی نظیر قوانین، آیین‌ها و شیوه‌های الگوی زندگی اجتماعی و اشکال معماری، تفاوت‌ها ظریف‌تر و متعدد می‌شود (بایزیدی،۱۳۹۱: ٤٤).

٤-٢-تعریف منطقه‌گرایی

تعریف منطقه‌گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیفی وسیع و گاه متضاد را در برمی‌گیرد. انواع منطقه‌گرایی در ادامه بحث خواهد آمد، اما در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به ویژگی‌های زیست‌بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات مورد توجه منطقه‌گرایی به حساب می‌آیند. «منطقه‌گرایی نظریه‌ای است که از مقاومت در برابر صورت‌های مختلفی از برتری‌جویی، جهانی‌سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت‌های بومی را کاهش می‌دهند، حمایت می‌کند.

این تئوری، روش‌ها و معیارهایی برای حفاظت، تجدید حیات و در صورت نیاز، بازسازی زندگی در چارچوب ویژگی‌های منطقه را پیشنهاد می‌دهد»(canizaro,2007:20). این خصوصیات در نهایت، به معماری "حال و هوا" بخشیده و حس مکان را در مواجه با فضاها تقویت می‌کنند (نوربرگ شولتز،۱۳۸۲: ۱٤۹). رویکرد اصلی منطقه‌گرایی آشتی دادن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه‌های ویژه مکانی است. منطقه‌گرایی هم به پیوندهای پیچیده انسانی مربوط می‌شود و هم به تعادل اکوسیستم و مسائل زیست‌محیطی. هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع در عین سود بردن از مزایای جهانی است(Bayzidi et al., 2013:14).

۵. تفاوت‌های منطقه‌گرایی با اصطلاحات بوم‌گرایی، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی

گر چه مفهوم منطقه‌گرایی تا حدی ریشه در مباحث بومی و محلی دارد و واژه‌ای جغرافیایی است، اما در مقایسه با مفاهیمی چون بوم‌گرایی، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی از قید محدودیت‌های بومی رهایی یافته، آزادی عمل بیشتری کسب نموده و به شرایط متنوع و متغیر آینده چشم دوخته است.

جدول ۱ – تفاوت‌های منطقه‌گرایی با بوم‌گرایی، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی. (مأخذ: نگارندگان)

	نظریه پرداز	دیدگاه
تفاوت‌های بوم‌گرایی و منطقه‌گرایی	کانیزارو [۱۲]	• بوم‌گرایی با صفات ناخودآگاه تعریف می‌شود، اما منطقه‌گرایی، فعالیتی داوطلبانه و خودآگاهانه است (canizaro,2007:20).
	اوزکان [۱۳]	• در مواجهه با دو مفهوم "فناوری و"اجتماع"با هم متفاوتند (canizaro,2007:105) • تفاوت در مقیاس نفوذ آنهاست (بومی‌گرایی از جنبه‌های محدود منطقه‌گرایی است) (شایان،۱۳۸۷: ۱۲۶). • بومی‌گرایی با تأکید بر احیای سنت‌های بومی، محدود به انواع بنا و تناسب‌های موجود است، اما منطقه‌گرایی، استفاده از فناوری‌های جدید را دنبال می‌کند و به نو بومی‌گرایی تعبیر می‌شود (بایزیدی،۱۳۹۱: ٤٨).
تفاوت‌های قوم‌گرایی و منطقه‌گرایی	کانیزارو	• آثار قومی به خاطر دوری از مرکز فرهنگی به ویژه از جنبه استانداردها و ضوابط، دارای محدویت‌هایی هستند اما منطقه‌گرایی به خاطر ویژگی ایستادگی در برابر ارزش‌ها و سلایق یکسان شده ای که از مراکز اداری گسترش می یابد، ارزش‌های بومی را به فعلیت می‌رساند(canizaro,2007:21)
	نیوکام	• اصیل ترین تفاوت منطقه‌گرایی و قوم‌گرایی در نگاه به آینده است. • معماری قوم‌گرا : نوعی نگاه حسرت آمیز به گذشته • قوم‌گرایی، معمار را از صحنه کار حذف کرده و به آفرینش خودبه‌خودی معماری معتقد است در حالی‌که منطقه‌گرایی، نقش مهمی در برقرای تعامل میان مولدهای طراحی و مکان دارد (شایان،۱۳۸۷: ۱۲۸).
تفاوت‌های ملی‌گرایی و منطقه‌گرایی	بِری	• اساس تفاوت در انگیزه‌های متفاوت این دو ریکرد در مواجهه با ویژگی‌های خاص منطقه ای نهفته است. • منطقه‌گرایی، مبتنی بر مدارا و ملی‌گرایی، مبتنی بر غرور است (بایزیدی،۱۳۹۱: ٤٥).
	هریس	• ملی‌گرایی: متأثر از منطقه‌گرایی محدودیت یا انحصار است (ریشه در تمایزها و هویت‌ها داشته و کمتر به تعامل دو سویه در شفاف‌سازی ایده‌ها اشاره می‌کند). • منطقه‌گرایی : علاوه بر تاکید بر وجود ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، به فرهنگ جهانی نظر مثبت دارد. • معماری منطقه‌گرا: گوناگونی،آزادی و بسط یافتگی را تصویر می‌کند ولی بیان ملی‌گرایانه، بیان وحدت، تحکیم وضد تنوع است (بایزیدی،۱۳۹۱: ٤٥).
	مامفورد	• ملی‌گرایی، فاقد نگرشی آزاد و انتقادی نسبت به مشخصه‌های فرهنگی و سنت تاریخی است و به جای مواجهه با واقعیت‌های زنده، به بازسازی واقعیت‌های ذهنی غیر واقعی بسنده می‌کند. • ملی‌گرایان، نگاه منطقه‌گرایان را عامل اصلی افتراق و در نتیجه اضمحلال هویتی مردم می‌دانند. در حالی‌که منطقه‌گرایی توجه به تفاوت‌های منطقه را به عنوان عاملی برای برقراری تعامل در سطح جهانی به کار می‌برد. • منطقه‌گرایان سعی دارند ویژگی‌های منطقه‌ای را با مؤلفه‌های جهانی نظیر فناوری و اندیشه انتقادی پیوند زنند. منطقه‌گرایی، چالشی در برابر ملی‌گرایی و سلطه دولت‌های ملی است (شایان،۱۳۸۷: ۱۲۹).

۶. دیدگاه و اندیشه‌های نظریه پردازان

۶-۱-مامفورد

نوشته‌های مامفورد در رابطه با منطقه‌گرایی، با آن چه که قبلاً فرمول‌بندی شده، متفاوت می‌باشد. منطقه‌گرایی مامفورد با مفهوم نسبی همراه بوده و فرایندی مستمر است که در آن مذاکره و بحث بین موضوعات بسیار متفاوت منطقه‌ای و جهانی رخ می‌دهد. وی از اندیشه‌های فیلسوف آلمانی به نام مارتین بابر[۱٤] در راستای تعریف جوامع چند فرهنگی استفاده نمود (Lefaivre,2003:34). هر چند افکار مامفورد با مارتین بابر هم‌خوانی داشت، اما با مارتین هایدگر بسیار متفاوت بود. ایده هایدگر در مورد «زمین»، «سرزمین» و «خانه» مرتبط با ایده‌ای است که بر اساس آن گروهی از انسان‌های نزدیک به هم از طریق هویت و اصالت، خاک و زبان مشترک به هم ربط دارند. از دست دادن این

موارد از نظر هایدگر منجر به زوال و نابودی می‌شود که متفاوت با مفهوم نابودی از دیدگاه مامفورد است. مامفورد در کتاب "معماری در جنوب" (۱۹٤۱)، منطقه‌گرایی خود را از نازیستی مانند هایدگر متمایز ساخت (Lefaivre,2003:34-35) و تعریف خود از منطقه‌گرایی را در مقابل ایده آن توسط نازی‌ها در تعریف معماری هیمت[۱۵] گسترش داد. وی می‌گوید که معماری منطقه‌گرایی باید با خلیج بدون پل مردم و سرزمین کنار آید. نگاه منطقه‌ای باید در برابر شیوه بین‌المللی مقاومت کند. برادری ماشین، طبق گفته وی جایگزینی برای برادری مردم نیست. بنابراین مشکل در علم و فناوری نیست بلکه در مباحث اجتماعی و مشکلات اخلاقی است (Tzonis, 2003:20).

۶-۲- الکساندر زونیس و لیان لفور

الکساندر زونیس و لیان لفور، معماری منطقه‌گرا را به عنوان یک موضوع دارای محتوای سیاسی، از معماری منطقه‌ای تمایز دادند. معماری منطقه‌ای توسط سنت مجزایی تشکیل شده است که شرایط اکولوژیکی و زیستی محلی را می‌پذیرد، اما معماری منطقه‌گرا به صورت مبهمی، آن معماری که دارای کاربرد جهانی می‌باشد را مورد انتقاد قرار می‌دهد. زونیس و لفور، منطقه‌گرایی در معماری را در پنج گروه دسته‌بندی کردند: معماری بدیع اوایل قرن هیجدهم، منطقه‌گرایی رمانتیک اواخر قرن هیجدهم (معماری به عنوان ماشین حافظه)، معماری هیمت آلمانی (معماری سرزمین مادری[۱۶])، معماری توریسم (منطقه‌گرایی تجاری[۱۷]) و منطقه‌گرایی انتقادی[۱۸].

در پروژه‌های جان ولفگانگ گوته و جان راسکین، معماری به عنوان یک ماشین حافظه در نظر گرفته شده بود. مکانی که باعث می‌شد حس تعلق به تاریخی آشنا برانگیخته شود. منطقه‌گرایی در این حس، شاخص‌های محیطی را به کار گرفت که ریشه در تئوری معماری ویتروویوس دارد (Moore,2001:132). در حالی‌که منطقه‌گرایی زیبای اوایل قرن هیجدهم برای شاخصه یک گروه قومی بر استراتژی‌های فضایی تأکید داشت، منطقه‌گرایی اواخر قرن هیجدهم که منطقه‌گرایی رومانتیک نام داشت، بر شاخصه‌های زمانی گروه تأکید کرد که پیشینه‌ی یکسان و اصل مشترک داشتند(Tzonis,2003:14). سومین دسته‌بندی زونیس و لفور، معماری هیمت نازی‌ها یا به تعبیر ادبی «معماری سرزمین مادری» است که شاخصه‌های محیطی در آن دخیل بود و به طور زیان‌آوری با منطقه گره خورده بود. پس از جنگ جهانی دوم، استراتژی‌های منطقه‌گرایانه به صورت مناسبی درآمدند و زونیس و لفور، منطقه‌گرایی تجاری و منطقه‌گرایی انتقادی را مطرح نمودند (Moore,2001:132-133).

جدول۲ – جمع‌بندی دیدگاه‌ها و اندیشه‌های نظریه پردازان در رابطه با منطقه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

نظریه‌پرداز	دیدگاه و نظریه
ویتروویوس	• معرفی معماری منطقه‌ای به عنوان شاخصه‌ای برای هویت گروهی خاص در «ده کتاب معماری». • تنوع معماری نتیجه ویژگی‌های فیزیکی، ذهنی و رفتاری مردم است.
لویس مامفورد	• منطقه‌گرایی، معنایی فراتر از توجه کالبدی به ویژگی‌های بارز مکانی دارد. (تأکید برهماهنگی‌های رفتاری و تجربی) • منطقه‌گرایی در واقع این نیست که از عناصر محلی قابل دسترسی استفاده کرد یا از شکل ساده ساختمان دیگری که متعلق به اجداد و نیاکان ماست، تقلید نمود، بلکه درک و فهم هنر آنها و ایجاد روح خلاق است. • منطقه‌گرایی اصیل، کشف نیازهای واقعی انسان‌ها در ارتباط با زمین، خاک، اقلیم، شرایط کار و عرف پنهان همسایگی است. • منطقه‌گرایی مامفورد با مفهوم نسبی همراه بوده و فرآیندی مستمر است که در آن مذاکره و بحث بین موضوعات بسیار متفاوت منطقه‌ای و جهانی رخ می‌دهد. • منطقه‌گرایی مترادف و هم سو با مدرن شدن است (برخلاف اندیشه مارتین‌هایدگر و ضدیت با مدرن). • خودکفایی و خودبسندگی صفات نادرست نسبت داده شده به منطقه‌گرایی‌اند. استفاده بهتر از منابع بومی نیازمند کمک انسان‌ها، ایده‌ها و یا روش‌های فنی مختص جاهای دیگر است. • توسعه تئوری‌های ساده و تک‌بعدی سیام قبل از جنگ و منطقه‌گرایان سنتی با رویکردی چند وجهی (Lefaivre,2003:39) • پنج قطب از تعاریف مامفورد در مورد عملکرد منطقه‌گرایی: ۱- رد الگوهای قدیمی و تاریخ‌گرایانه منطقه‌گرایی: مخالفت با بازتولید شکل‌های گذشته و پوچ و بدون زندگی دانستن آنها ۲- شکستن سنت بازگشت به طبیعت (حفظ تعادل بین انسان و طبیعت و تأکید بر پایداری) ۳- استفاده از فناوری روز ٤- جامعه چند فرهنگی ۵- عدم تناقض بین محلی- جهانی: ایجاد تعادلی بین منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی (Lefaivre, 2003:36).

الکساندر زونیس	• طراحی با تمرکز بر نیازها و قابلیت محلی (طراحی پایدار). • رویکردی در طراحی که برای هویت خاص منطقه درمقابل خصوصیات عام جهانی اولویت قائل است (Tzonis,2003:11). • هدف منطقه‌گرایی، حفظ تنوع و تفاوت در عین سود بردن از مزایای جهانی است(Tzonis,2003:20). • روش از پائین به بالا در طراحی (توجه به ارزش هویت موقعیت فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی) به‌جای تحمیل بی فکر فرمول‌های خود پسند از بالا به پائین (Tzonis,2003:11). • دسته‌بندی منطقه‌گرایی در پنج گروه: ۱- معماری بدیع اوایل قرن هیجدهم: تأکید بر استراتژی‌های فضایی برای مشخص کردن یک گروه قومی ۲- منطقه‌گرایی رمانتیک اواخر قرن ۱۸: معماری به عنوان یک ماشین حافظه (توجه به شاخصه‌های محیطی) ۳- معماری هیمت نازی‌ها (معماری ملی) یا معماری سرزمین مادری ٤- معماری توریسم (منطقه‌گرایی تجاری): یکی از تاکتیک‌های بازار جهت متمایز ساختن محصولات (Moore,2001:132). ۵ منطقه‌گرایی انتقادی: معماری باید معنا را برانگیزد نه احساسات و هیجانات را (Moore,2001:133).
لیان لفور	• معماری باید انعکاس‌دهنده ویژگی‌های خودی بوده و مستقل از دیدگاهی عاطفی به منطقه، سنت و تاریخ باشد (میرمقتدایی،۱۳۸۳: ۳۶). • بهره‌گیری از نظریه انتقادی فرانکفورت (آدورنو[۱۹]، هورخیمر[۲۰]) و یورگن هابرماس در تحلیل منطقه‌گرایی.
کنت فرامپتون	• آشتی دادن و به تعادل رساندن تأثیرات تمدن جهانی و خصوصیات و مشخصه‌های ویژه مکانی (معماری در بستر محیط) • تأکید و توجه به مصالح بومی و ارتباطات اجتماعی به عنوان عوامل پایداری • فرا رفتن از افق‌های محدودی نظیر سایت، بافت و محیط کالبدی اطراف بنا به دریافت‌های درونی از داده‌های منطقه‌ای و بازشناسی فرهنگی و اجتماعی در راستای خلق جوهره معماری. • معرفی منطقه‌گرایی به عنوان یک حد واسط بالقوه و غیر قابل بازگشت بین دو موقعیت پست مدرنیسم یعنی نوسنت‌گرایان و آوانگاردها • فن- ساخت، روشی مهم برای مقاومت در برابر همسان‌سازی محیط مصنوع.
شولتز	• بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان
کریس ابل	• تلاش در جهت حفظ و ایجاد تداوم بین اشکال ساختمانی حال با گذشته در مکانی مفروض (جست‌وجوی هویت)
ویلیام کرتیس	• منطقه‌گرایی اصیل (مدرن): توجه به مکان و فناوری، ترکیب آموزه‌های مدرن با سنت محلی. • منطقه‌گرایی غیر اصیل: الحاقات تاریخی روی پوسته مدرن
کن یینگ[۲۱]	• برقراری پلی بین فناوری و فرهنگ (از طریق بیان ترکیب‌بندی سازه‌ها، زیبایی شناسی، سازمان بنا و جمع‌بندی فنی و مصالح به‌کار رفته در زمان و مکان معین)
گیدیون	• منطقه‌گرایی جدید: رویکردی خلاق به‌جای رویکرد رجعت‌گرا. حفاظت خلاق به‌جای تقلید یا حفاظت ایستا
کانیزارو	• منطقه‌گرایان سعی دارند ویژگی‌های منطقه را با مولفه‌های جهانی نظیر فناوری و اندیشه انتقادی پیوند زنند. منطقه‌گرایی، فراتر از طراحی براساس اقتباس و یا رجوع صرف منابع است.
قادوم[۲۲]	• لازمه دست یابی به معماری منطقه‌گرا: تناسب میان پنج بعد کارکردی، کالبدی، فرهنگی، بین اللملی، بومی- محلی در طراحی
اوزکان	• آنچه مورد مخالفت معماران منطقه‌گرا واقع شد، مدرنیسم نیست بلکه گرایش به سبک بین‌المللی است (Ozkan,1985:12).
کولکوهان	• تأکید بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی یک منطقه خاص (Colquhoun,2007:147).
سراج الدین	• معرفی خصوصیات جامعه‌ای و امتزاج به عنوان مفاهیم مورد نیاز برای بررسی منطقه‌گرایی.(Bayzidi et al., 2013:14) • خصوصیات جامعه‌ای عبارت‌اند از ویژگی‌های جغرافیایی، آب و هوایی و شکل‌شناسی محل مزبور و رویه‌های اجتماعی و بخشیدن حس مکان به محل و امتزاج عبارت است از روند تأثیر متقابل فرهنگ‌ها و ایجاد ترکیب‌های تازه.

۷. انـواع منطقـه‌گـرایـی

۷-۱- منطقه‌گرایی سـبکی : در منطقه‌گرایی سـبکی، توجه به بوم و ویژگی‌های کالبدی آن، محور اصـلی تمامی فعالت‌های معمارانه را تشـکیل می‌دهد. شکل ویژه معمارانه منطقـه‌گرایی در روم بـاسـتـان، منطقه‌گرایی ویتروویوس است که در مورد استقرار بنا، به رابطه کیفی مکان و سلامت سـاکنان آن توجه می‌کند. از منظر این نگاه، توجه به شرایط اقـلـیـمـی اهـمـیـت بسـزایـی دارد (canizaro,2007:17). منطقه‌گرایی سـنتی و منطقه‌گرایی بدیع، از تعابیر دیگر این گونـه از منطقـه‌گرایی اسـت. این تعـابیر همگی به توجه به منظر توپوگرافی، اقتبـاس از موتیف‌هـای معمـاری‌هـای بـا شـکوه و بازآفرینی تاریخی اشـاره دارند. در واقع عناصـر تاریخی، دقیقاً در جایگاه خویش مورد استفاده قرار می‌گیرند (شایان،۱۳۸۷: ۱۳۹).

۷-۲- منطقه‌گرایی مدرن : سر آغاز منطقه‌گرایی مدرن در سال ۱۹۶۱ توسط پل ریکور[۲۳] می‌باشد. از مشخصه‌های اصلی معماری مدرن منطقه‌گرا، استفاده از دنیایی قدیم و تغییر شکل دادن روش‌ها و اهداف سنتی با استفاده از فناوری‌های ابداعی جدید، استفاده از شیوه‌هایی که بتوانند مفاهیم خاص منطقه را بازگو کنند، را می‌توان ذکر نمود (شایان،۱۳۸۷: ۱٤۱). مسئله اساسی این‌گونه طراحی، بیان پیشرفت در نمایش سنت بود. پروژه‌هایی همچون فرودگاه جده، نمایانگر این نوع منطقه‌گرایی هستند. در این پروژه، استفاده از فناوری به گونه‌ای استعاره‌گرا قابل مشاهده است (شایان و کامل‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۳).

۷-۳- منطقه‌گرایی نوین : ویژگی منطقه‌ای، خاصیت ضروری هر معماری معتبر است. از آنجا که تمام ساختمان‌ها بخشی از "اینجایِ متعین" را شکل می‌دهند، نمی‌توانند همه‌جا مانند هم باشند، بلکه باید ویژگی‌های خاص مکان معینی را دربرداشته باشند. از زمان‌های دیرین این ویژگی به عنوان حال و هوا شناخته شده است (جودت،۱۳۸۱: ۸۲). زمانی که گیدیون خاطرنشان ساخت که معماری آلتو فنلاندی است، منظورش به وضوح چیزی بیش از سازگاری با محلی خاص بود (همان: ۸۳)(شکل۱). "منطقه‌گرایی نوین"مستلزم چیزی فراتر از نیاز به "زمینه" است. منطقه‌گرایی نوین رویکردی خلاق است تا رویکردی رجعت‌گرا. آنچه مورد نظر است، تقلید یا حفاظت ایستا نیست بلکه چیزی است که می‌توان آن را "حفاظت خلاق" نامید (همان: ۱۰٤).

۷-٤- منطقه‌گرایی انتقادی : در دهه هشتاد، الکساندر زونیس، لیان لفور(۱۹۸۱) و کنت فرامپتون (۱۹۸۵) اصطلاح «منطقه‌گرایی انتقادی» را جهت توصیف معماری معاصر که نه می تواند به عنوان مفهوم اینترناسیونالیسم و نه به عنوان مفهوم فولکلوریک یا تاریخی منطقه و معماری در نظر گرفته شود، مطرح نمودند. منطقه‌گرایی انتقادی به محل، در یک سطح بسیار انتزاعی اشاره دارد. تلاش انتقادی فرامپتون علیه کاربرد جهانی استاندارد و صنعتی فزاینده مصالح ساختمانی و روش‌های احداثی که سنت‌های ساختمانی محلی و نفوذ آنها به درون معماری معاصر را نادیده گرفته، عمل می‌کند. این رویکرد اساساً از اکثر کاربردهای منطقه‌گرایی گذشته که منطقه را تنها به‌عنوان یک مفهوم دفاعی یا تهاجمی، یک ساختار سیاسی یا تجاری که ترغیب‌کننده جنبش‌های ملی‌گرا، میهن‌پرستی افراطی و تجاری‌گرایی فولکلور می‌باشد، متفاوت است (wikipedia.org/wiki/Critical_regionalismen.). فرامپتون در مقاله "به سوی منطقه‌گرایی انتقادی"، از این رویکرد به عنوان مقاومتی در برابر استانداردهای جهانی و یک‌نواختی فرهنگ و تنزل مقام مدرنیسم نام می‌برد (Gutschow,2006:342). «معماری وابسته به منطقه‌گرایی انتقادی قصد داشت تا هم از هم‌گونی و یک‌نواختی و بی‌مکانی در جریان مدرن و هم از تاریخ‌گرایی بیش از حد در آثار پست مدرن جلوگیری کند. بر اساس استراتژی اصلی و بنیادین منطقه‌گرایی انتقادی طبق گفته فرامپتون، باید تأثیر تمدن جهانی را با عوامل نشأت گرفته از ویژگی‌های منحصر به فرد یک مکان به حالت تعادل رساند» (Eggener,2002:228). کلیسای باگسوارد یرن اتزون در نزدیکی کوپنهاگ (۱۹۷۶) نمونه ای از این تعادل است. دیواره خارجی ساخته شده از سنگ‌های بتونی و قالب‌های دیواری بتون بر عقلانیت تکراری یک شبکه مستقر شده است که یک تکنیک ساختمان‌سازی اقتصادی موجود در سرتاسر جهان است و به طور گسترده ای « مشروط» به صنعت بوده و بنابراین ماهیت جهانی دارد؛ اما دیواره داخلی، یک طاق قوسی بتونی موج‌دار است که با تک‌سرشتی‌اش، به دور از اقتصادی بودن است (Paterson, 1995). (شکل۲)

فرامپتون نوعی معماری اصیل را مطرح می‌کند که در دو وجه اساسی معماری ریشه دارد: «فهم و ادراک مکان و فن - ساخت». فن- ساخت روش مهمی برای مقاومت در برابر همسان سازی محیط مصنوع است (نسبیت،۱۳۸۶: ۱۳٤). مدنیزاسیون از رودیکرد لوح سفید جانبداری می‌کند تا محل را پاک و مسطح کرده، راه را برای طرح ساختمان‌سازی بگشاید. این برداشتن توپوگرافی نمادی از تکنیک جهانی است که منجر به بی‌مکانی می‌شود. منطقه‌گرایی انتقادی در عوض توپوگرافی را به عنوان نمادی از شاخصه‌های منطقه، در آغوش می‌کشد (Paterson,1995). به گفته فرامپتون، برداشت بعضی افراد صرفاً توجه به محیطی جغرافیایی، اقلیم و بوم بوده است، در حالی که معماری که به محیط خود توجه دارد بسیار فراتر از عوامل جغرافیایی عمل می‌کند (دیبا، ۱۳۷۹). کار منطقه‌گرایی انتقادی تفکر مجدد معماری از طریق مفهوم منطقه است. شامل مشکلات پیچیده انسان یا تعادل اکوسیستم است و در برابر پذیرش بدون فکر مسایل نارسیسیسم به نام جهان‌گرایی قرار دارد (Tzonis,2003:20).

فرامپتون معتقد است که تفسیر یک منطقه فقط به واژه‌های بومی‌گرایی و اقلیم آن، کوته‌بینی است؛ هر چند این فاکتورها مطمئناً فاکتورهای اصلی هستند که شکل محلی را به لحاظ بیانی و ساختاری تشکیل می‌دهند، اما دو عامل درونی وجود دارد که در نهایت از همه فاکتورها مهم‌ترند: فرهنگ و هویت. نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد که به صورت آگاهانه، خرده‌فرهنگ‌ها را از گذشته‌های دور فراخوانی می‌کنند، از مدرسه تیسینز[۲٤] ماریو بوتا تا زنجیره معماری پالادیویی منطقه‌ی وِنِتو[۲۵]، از سبک ارگانیک رایت تا دومین مدرسه گریگوری آین[۲۶]، جی.آر.داویدسون[۲۷]، اچ.اچ.هاریس[۲۸] و رافائل سوریانو[۲۹] در کالیفرنیای جنوبی، از مدرسه باسابقه معماری پورتو که آلوارو سیزا برجسته‌ترین نماینده آن است تا ساختارگرایان مینیمالیست جوان کالیفرنیا (Frampton,1987:380).

۷-۵- منطقه‌گرایی تعاملی[۳۰] : «منطقه‌گرایی تعاملی رویکردی است که مواجهه با منطقه را از منظر تعامل‌گرایی در فلسفه علوم اجتماعی تبیین می‌کند و شیوه تفکری دو سویه است که در آن تفاوت‌ها مطلق انگاشته نمی‌شود و رابطه میان خویشتن و دیگری را به صورت دو سویه به تصور در می‌آورد و در برابر دو نوع دیدگاه مقاومت می‌کند: ۱- یکی شدن خود و دیگری که در آن تفاوت‌ها محو می‌گردد، ۲- جدا ماندن و سخت‌تر و قوی کردن تفاوت‌ها. تعامل‌گرایان معتقدند که تبادل فرهنگی و اجتماعی لزوماً نباید منجر به محو کردن تفاوت‌ها شود یا منجر به تداوم تفاوت‌ها، بلکه باید منجر به توان‌آزمایی با خود، آموختن و در نتیجه رشد شود» (شایان،۱۳۸۷: ۱۶۶). این رویکرد در آثار شاخص معماران خارجی فعال در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مشهود است (شکل ٤).

۷-۶-زیست- منطقه‌گرایی[۳۱]: جنبش زیست‌منطقه‌گرایی در معماری متأثر از جنبش‌های توسعه پایدار و بوم‌شناختی است. این نگرش با در نظر گرفتن پیوند میان فرهنگ انسانی و زیست‌بوم‌های منطقه‌ای، در وضعیتی پایدار و همچنین با لحاظ کردن وابستگی‌های فرهنگی و بوم‌شناختی در ارتباط با یکدیگر سعی در توجه به ویژگی‌های مکان‌محور دارد. دوج[۳۲] در شرح معنای زیست‌منطقه‌گرایی به سه عامل سیستم‌های طبیعی، بی‌نظمی و عناصر معنوی تأکید می‌ورزد (محمودی، ٤۳۸:۱۳۸۹).

۷-۷- منطقه‌گرایی بازتابنده[۳۳] : بعضی از منتقدین سعی دارند تا مفهوم منطقه را که در نظر منطقه‌گرایان انتقادی مشتمل بر مجموعه‌ای از موضوعات خود ارجاع بوده است، در بستر فرهنگی پیچیده مورد بازشناسی قرار دهند تا به این وسیله پیوند ناگسستنی میان محصول فرایند منطقه‌گرایی و زمینه مورد نظر برقرار شود و در تحلیل آثار، درک چگونگی ارتباط با منطقه از نقطه‌نظر فعالیت‌ها و کارکردها جایگزین بررسی روابط میان فرم‌ها گردد. چنین نگرشی به منطقه‌گرایی که" کاسیدی"[۳٤] از آن به "منطقه‌گرایی بازتابنده" نام می‌برد، آنرا در برابر تصور سنتی از منطقه‌گرایی که به خصوصیات سبکیِ معماری بومی منطقه‌ای خاصی رجوع می‌کند، قرار می‌دهد. منطقه‌گرایی بازتابنده با رفتارها و فعالیتهای فرهنگی، پیوندی عمیق پیدا می‌کند؛ رفتارهایی که برگرفته از عناصر فکری و اعتقادی استواری همچون جهان بینی، ایدئولوژی، مذهب و باورهای اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری محصول معماری یکپارچه و دارای ویژگی‌های بارز منطقه‌ای می‌گردد (محمودی، ٤٤۰:۱۳۸۹).

۷-۸- منطقه‌گرایی غیرمدرن[۳۵] : استیون مور با انتقاد از سیطره اندیشه مدرن بر رویکرد منطقه‌گرایی، از منطقه‌گرایی غیر مدرن نام می‌برد که بر اساس روابط و فعالیت‌های پیچیده اجتماعی شکل می‌یابد. از نظر او منطقه‌گرایی غیر مدرن بر شناخت دوباره دو مفهوم مکان و فناوری استوار است. مور با موثر دانستن مفاهیم مکان و فناوری در شکل‌دهی به منطقه، از منطقه‌گرایی بازسازنده[۳۶] نام می‌برد که در تلاش است تا ارتباطات انسانی با مکان‌ها را در فرایندهای پیچیده، بازتولید کند و هدف آن شکل‌دهی به قرارگاه و مکان‌هایی به منظور بازتولید روابط اجتماعی گوناگون است (محمودی، ٤٤۰:۱۳۸۹). مدرنیست‌ها، فناوری را با ارزش و مکان را بی‌ارزش جلوه دادند. پست‌مدرن‌ها، عکس این امر اقدام کردند. منطقه‌گرایی انتقادی مخالف این طبقه‌بندی می‌باشد و برای هر دوی آنها، ارزش قائل است(Moore,2001:130). هرچند این نگاه به میزان برابری از فرضیات مدرن یورگن هابرماس و از فرضیات پست‌مدرن مارتین هایدگر نشأت می‌گیرد، در منطقه‌گرایی انتقادی به عنوان تناقضی بین دو اصل جلوه می‌کند. این مغایرت و کشمکش، قضیه‌ی غیر مدرن را برای معماری پیشنهاد می‌نماید. واژه غیر مدرن توسط برونو لاتور[۳۷] استفاده شده و مور واژه معماری احیاکننده (نوسازی) را که

موضوع اصلی قضیه‌ی غیرمدرن است، برای رفع این تناقض به جای لغت انتقادی فرامپتون پیشنهاد داده است. این واژه از معمار منظر، جان تیلمن لیل[۳۸]، وام گرفته شده است (Moore, 2001:136).

۷-۹- منطقه‌گرایی اجرایی[۳۹]: باربارا آلن[۴۰] در نظریاتش پیرامون منطقه‌گرایی بر تعاملات انسانی تأکید می‌ورزد. او در نقد گفتارهای زونیس و فرامپتون در باب منطقه‌گرایی، به ارائه تصاویر بناهای خالی از انسان توسط این دو اشاره می‌کند و این امر را بی‌توجهی به ماهیت انسانی مباحث منطقه‌گرایی نزد آنها می‌داند. آلن برای ورود به بحث منطقه‌گرایی از سه مفهوم فرهنگ، منطقه و هویت استفاده می‌کند. (محمودی،۱۳۸۹:۴۴۳).

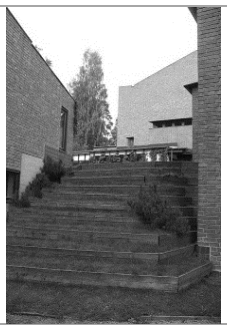	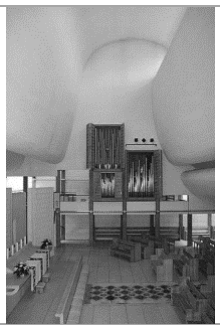	
شکل۱ : سالن شهر ساینا‌تسالو، طرح آلوار آلتو (توجه به‌فناوری ومکان، خلق معماری‌مدرن منطقه‌ای). (ماخذ:http://en.wikipedia.org/wiki/Critical_regionalism)	شکل۲ : کلیسای باگسوارد دانمارک ۱۹۷۶-۱۹۷۳،طرح یرن اتزن، ترکیب فرهنگ محلی و تمدن جهانی. (ماخذ: http://en.wikipedia.org/wiki/Critical_regionalism)	شکل۳: دانشگاه و بیمارستان آقاخان، کراچی، پاکستان، ۱۹۸۵، قسمت اعظم مجموعه به صورت طبیعی تهویه می‌شود که در آن برخی نکات تکنیکی که بر اساس تجربیات محلی به دست آمده، دیده می‌شود. از قبیل سطح ارتفاع سقف، بادگیرها، صفحات مشبک چوب و سفال و نوعی بافت خاص کرکره‌ای راه‌راه که سایه‌های باریک بی‌شماری روی سطح می‌گستراند و باعث کاهش درجه‌ی حرارت و شدت تابش می‌شوند. طراح: مهندسین مشاور پایت (ابل،۱۳۸۷: ۳۲۴).
شکل۴: مجلس کویت، طرح یرن اتزن، رویکرد منطقه‌گرایی تعاملی در آثار معماران خارجی فعال در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس. (ماخذ: http://www.danishteakclassics.com)		شکل۵: سرپرستی بانک مسکن کرمان، طرح داراب دیبا، نوعی معماری دو پوسته و تلاش برای پاسخگویی به ویژگی‌های اقلیمی و برنامه طرح با رویکردی نوین به منطقه‌گرایی. (ماخذ:http://memarinews.com/Pages/News-4434.aspx)

۸. تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی

۸-۱- در عرصه سیاست: نظریه‌های منطقه‌گرایی در ابعاد مختلفی دست‌خوش تغییر و تحول شده‌اند. غیر سرزمینی شدن جغرافیا، معناگرایی، چند بعدی شدن و تکثرگرایی دمکراتیک از مهم‌ترین تغییر و تحولات نظری هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۱۳:۱۳۸۸). نظریه‌های جدید منطقه‌گرایی، کمتر بر عنصر جغرافیا به عنوان کانون منطقه و منطقه‌گرایی تأکید دارند و این عنصر نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کند. نظریه‌های منطقه‌گرایی از مادی‌گرایی به معنای تأکید بر عوامل و عناصر مادی در فرایند منطقه‌گرایی به سمت معناگرایی مبنی بر نقش عناصر و ساختارهای غیر مادی و انگاره‌ای تحول یافته‌اند (همان:۱۱۳).

۸-۲- در عرصه معماری: گونه‌های منشعب از رویکرد منطقه‌گرایی، علی‌رغم تفاوت و در برخی موارد تضادی که در عناوین آنها به چشم می‌خورد، بر محور چهار واژه فرهنگ، فناوری، مکان و هویت بنا شده‌اند. «مطالعات تاریخی و تحلیل گفتار صاحب‌نظران درباره منطقه‌گرایی نشان از آن دارد که این رویکرد، از اصالت مفاهیم تاریخی

به مفاهیم جغرافیایی و در سال‌های اخیر به مفاهیم مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی تغییر رویه داده است» (شایان،۱۳۸۷: ۱).

نتیجه‌گیری

منطقه‌گرایی در طول بازه زمانی گسترده حضور خود در عرصه معماری رویکردهای متفاوتی داشته به‌نحوی که از رویکردهای بومی‌گرایانه و تأکید بر برداشت‌های کالبدی از منطقه، به سمت رویکردهای نوین (کالبدی، معنایی و بوم‌شناختی) متمایل شده، توجه به مباحث اجتماعی، فرهنگی، زیست‌بوم و ارتباطات انسانی را جایگزین مباحث سبکی، شکلی و زیبایی‌شناسی نموده است. نتایج مطالعات و تحلیل دیدگاه صاحب‌نظران و مصادیق معماری معاصر نشان از آن دارد که رویکردهای نوین منطقه‌گرایی در پی تعدیل اندیشه‌های تعصب‌گرایانه و محدودیت‌آفرین پیشین و تقویت نگرش تعاملی و استفاده از مزایای جهانی می‌باشند. تأکید بر مشارکت مردم و روش پایین به بالا در طراحی، استفاده از قابلیت‌های محلی برای دست‌یابی به توسعه پایدار، توجه به نیازهای واقعی انسان و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و هنجاری در راستای مقاومت در برابر یکسانی محیط مصنوع، تقویت حس مکان و در عین حال برقراری تعامل و سود بردن از مزایای جهانی، از راهبردهای منطقه‌گرایی به حساب می‌آیند. نتایج مقاله در قالب مدل تحلیلی دیدگاه‌های منطقه‌گرایی در معماری معاصر، در شکل ۶ ارائه شده است.

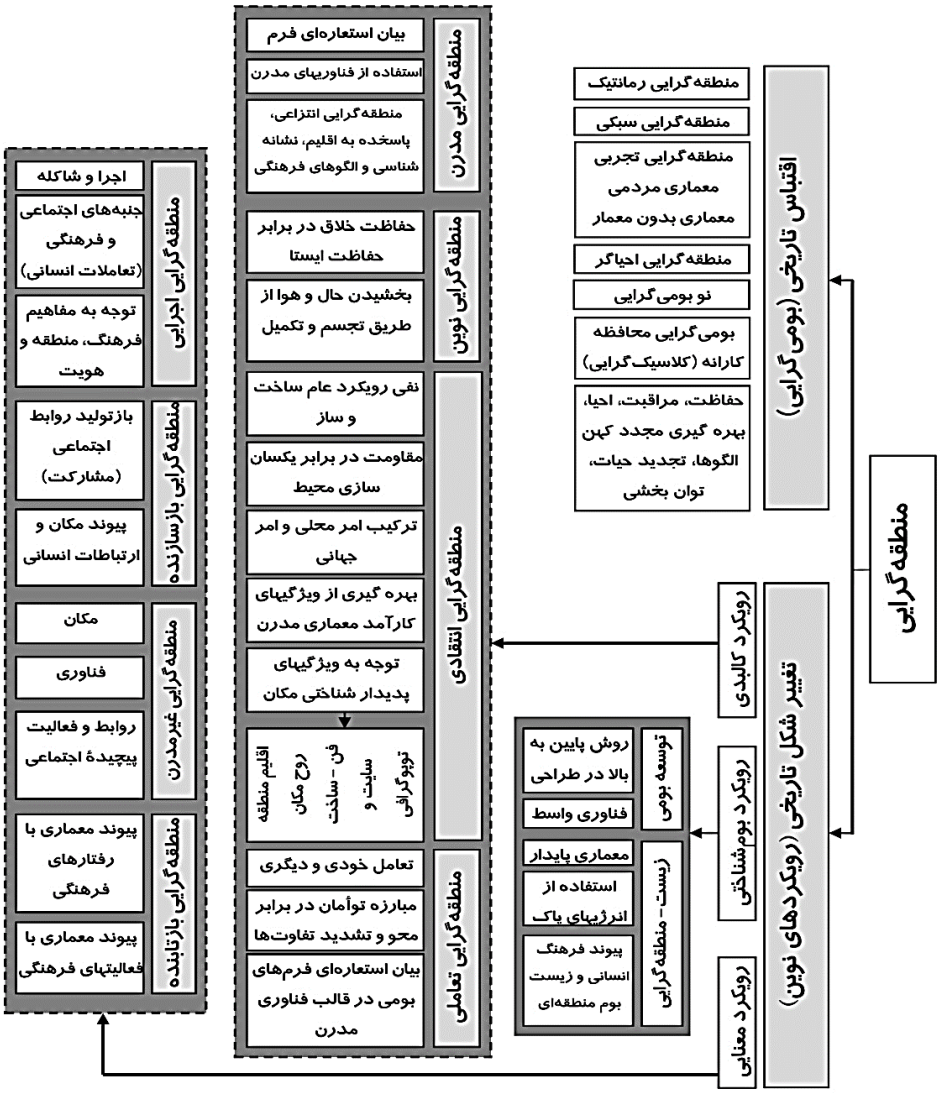

شکل۶: مدل تحلیلی دیدگاه‌های منطقه‌گرایی در معماری معاصر (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۳- تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی (مأخذ: نگارندگان)

عرصه	تحول
سیاسی	• غیر سرزمینی شدن جغرافیا، معناگرایی، چند بعدی شدن (گسترش دامنه در بسیاری از حوزه‌ها)، تکثرگرایی دمکراتیک
معماری	• تغییر نگرش‌های سبک محور اواخر قرن ۱۹، متاثر از رمانتیسم و کلاسیسم اروپایی (اقتباس تاریخی، بومی‌گرایی و برداشت‌های کالبدی منطقه) به رویکردهای نوین منطقه‌گرایی (کالبدی، بوم‌شناختی و معنایی). • ظهور رویکردهای اصالت‌محور، فن‌محور، مکان‌محور و گذشته‌محور در سایه توجه به مفاهیم فرهنگ، فناوری، مکان و هویت. • گرایش مباحث منطقه‌گرایی به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جوامع با تأکید بر تعاملات و روابط انسانی و توجه به زیست‌بوم به‌جای مباحث سبکی، شکلی و زیبایی‌شناسی.

پی‌نوشت‌ها

1. Lewis Mumford
2. Alexander Tzonis
3. Liane Lefaivre
4. Kenneth Frampton
5. The Regionalist Rebellion
6. J.B. Jackson
7. Silent Spring
8. Rachel Carson
9. Bernard Rudofsky
10. Sea Ranch
11. The Grid and the Pathway
12. Canizaro
13. suha ozkan

۱۴. فیلسوف آلمانی به نام مارتین بابر، اولین فیلسوف قرن بیستم است که راه چاره‌ای را در برابر تئوری خون و خاک در جامعه مطرح ساخت و بر تفکر آلمانی‌ها تسلط یافت. پیشرفت اصلی او، تئوریزه نمودن ایده‌اش در مورد جامعه است که خون اصیل و هویت ملی را به هم پیوند زده است. او راهی را برای تعریف جامعه چند فرهنگی باز کرد.

15. Heimatsarchitektur
16. Homeland architecture
17. Architecture of Tourism , Commercial Regionalism
18. Critical Regionalism
19. Adorno
20. Horkheimer
21. ken yeang
22. Qadoom
23. Paul Ricoeur
24. Ticinese school
25. Veneto Region
26. Gregory Ain
27. J.R.Davidson
28. H.H.Harris
29. Raphael Soriano
30. Interactive Regionalism
31. Bio-Regionalism
32. Doge
33. Reflexive Regionalism
34. Cassidy
35. Non modern Regionalism
36. Regenerative Regionalism
37. Bruno Latour
38. John Tillman Lyle
39. Per formative Regionalism
40. Barbara Allen

فهرست منابع

- ابل، کریس؛ ۱۳۸۷؛ **معماری و هویت**؛ ترجمه فرح حبیب؛ تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- بایزیدی، قادر؛ ۱۳۹۱؛ **جهانی سازی و منطقه‌گرایی در معماری معاصر ایران**؛ رساله دکتری معماری، به راهنمایی دکتر ایرج اعتصام و مشاوره دکتر مصطفی مختاباد امرئی و دکتر فرح حبیب؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- جودت، محمد رضا؛ ۱۳۸۱؛ **ریشه‌های معماری مدرن (۷)، منطقه‌گرایی جدید**؛ فصلنامه معماری ایران(ما)؛ دوره سوم؛ شماره۹؛ صص ۸۲-۱۰٤.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ ۱۳۸۸؛ **تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی**؛ مطالعات اوراسیای مرکزی؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی سال دوم؛ شماره ۵؛ زمستان ۱۳۸۸؛ صص ۹۹- ۱۱۶.
- دیبا، داراب؛ ۱۳۷۹؛ **گفتگو: کنت فرامپتون/داراب دیبا**؛ مجله معماری و شهرسازی؛ شماره ۶۱-۶۰ .
- شایان، حمیدرضا، علیرضا عینی‌فر و داراب دیبا؛ ۱۳۸۸؛ **مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه: تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیر بومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس**؛ نشریه هنرهای زیبا؛ شماره ۳۸؛ صص ٤۹-۶۰ .
- شایان، حمیدرضا و حامد کامل‌نیا ؛۱۳۸۷؛ **منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره‌ی سوم**؛ مجله معماری و شهرسازی؛ شماره ۹۱ - ۹۰ ؛ صص ۱۰ـ ۱۵.
- شایان، حمیدرضا؛ ۱۳۸۷؛ **معماری در زمینه‌ی بیگانــه تحلیل نظریه‌ی منطقه‌گرایی تعاملی در تجارب دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ میلادی معماران غیر بومی درکشورهای حوزه‌ی خلیج فارس**؛ پایان نامه دکتری معماری به راهنمایی دکتر علیرضا عینی فر و مشاوره دکتر داراب دیبا؛ دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- محمودی، محمدرضا ؛۱۳۸۹؛ **بررسی تأثیر جهانی محلی‌گرایی بر معماری معاصر**؛ پایان نامه دکتری معماری ، به راهنمایی دکتر داراب دیبا و مشاوره دکتر فرح حبیب؛ دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، محمدرضا بمانیان و ندا خاکسار ؛۱۳۸۹؛ **هویت معماری: تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشا مدرن، مدرن و فرامدرن**؛ مجله هویت شهر؛ سال پنجم شماره ۷؛ صص ۱۱۳-۱۲۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، محمدعلی خبری و رضا عسکری‌مقدم ؛۱۳۸۹؛ **تجدید حیات‌گرایی و معماری معاصر ایران در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی**؛ فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی؛ شماره ۲؛ صص ۹۵-۱۰۲.
- میرمقتدایی، مهتا؛ ۱۳۸۳؛ **معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها**؛ نشریه هنرهای زیبا؛ شماره ۱۹؛ صص ۱۷-۲۶ .
- نسبیت، کیت؛ ۱۳۸۶؛ **نظریه‌های پسامدرن در معماری**؛ ترجمه محمدرضا شیرازی؛ تهران: نشرنی .
- نوربرگ شولتز، کریستین؛ ۱۳۸۲؛ **گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان**؛ ترجمه ویدا نوروز برازجانی؛ نشر جان جهان.
- Bayzidi, Qader; Etesam, Iraj; Habib, Farah; Mokhtabad Amrei, Seyed Mostafa(2013),"**An Investigation of Global-Regional Interactional Approach at the Prominent works of Contemporary Iranian Architects**", International Journal of Architecture and Urban Development (IJAUD), Volume 3, Number 2, Spring 2013, Page 13-20
- Canizaro, Vincent B. (2007), **Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition**, Princeton Architectural Press.
- Colquhoun, Alan (2007), **The Concept of Regionalism, in Canizaro, Vincent (ed), Architectural Regionalism, (Collected Writings on Place, Identity, Modernity and Tradition)**,Princeton Architectural Press, pp.146-155.
- Eggener, Keith L. (2002), **Placing Resistance: A Critique of Critical Regionalism**, University of Missouri-Columbia, Journal of Architectural Education ,May 2002 JAE 55/4 , pp. 228–237
- Frampton, Kenneth(1987), **Ten Point on an Architecture of Regionalism: A Provisional Polemic, in Canizaro, Vincent (ed), "Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition**", Princeton Architectural Press, pp. 375–385.
- Gutschow, Kai (2006), **Concrete Resistance: Ando in the context of critical regionalism**, History of Architectural Theory, pp. 341-48.
- Lefaivre, Liane (2003) " **Critical regionalism. A Facet of Modern Architecture since 1945**" in: Liane Lefaivre & Alexander Tzonis (Ed.) Critical regionalism: architecture and identity in a globalized world. Prestel Verlag, pp. 24–53.
- Moore, Steven A. (2001), **Technology, Place, and the Nonmodern Thesis**, The University of Texas at Austin, Journal of Architectural Education,February 2001 JAE 54/3, pp. 130–139.
- Paterson, Scott (1995), Critical Analysis of"Towards a Critical Regionalism" by Kenneth Frampton.
- Tzonis, Alexander (2003) "I**ntroducing an architecture of the present. Critical regionalism and the design of identity**" in: Liane Lefaivre & Alexander Tzonis (Ed.) Critical regionalism: architecture and identity in a globalized world. Prestel Verlag , pp. 10–20.
- URL: Http//en.wikipedia.org/wiki/Critical_ regionalism.

Naqshejahan (4)
Spring & Summer 2013

Received: 12 Feb. 2013
Accepted: 15 Jun. 2013

Explanation of Regionalistic Viewpoints & their Evolution in Contemporary Architecture

▪ **Qader Bayzidi[1], Iraj Etesam[2], Farah Habib[3], Seyed Mostafa Mokhtabad Amrei[4]**

[1] Ph.D. in Architecture, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *(q_bayzidi@srbiau.ac.ir)*
[2] Professor, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *(ietessam@hotmail.com)*
[3] Associate Professor, Department of Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *(f.habib@srbiau.ac.ir)*
[4] Associate Professor, Department of Dramatic Literature, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. *(mokhtabm@modares.ac.ir)*

Abstract:

Being an analytical as well as critical approach, regionalism comes into contact with culture and cultural context with a special focus on preserving spatial features and prioritizes special regional identity over general global features. Regionalistic issues focus on place, man and technology. Dealing with this in today's globalized world aiming at redefining the role of place is of paramount importance. Supporters of such theory believe that architecture has to reflect the features of the self and be independent of an emotional view point of region, tradition and history. An investigation of regionalism is feasible through introducing to concept: "societal features" and "fusion". Societal features introduce geographical, climate and geometric features of the place and social trends that give a particular region. "A sense of place" and a "special feature" to an environment. Fusion refers to such a trend by which a reflection with existing cultural systems of a particular region, and therefore, is enriched and contributes to new fusions. Dating back to old times of architectural thoughts, this theory has experienced a variety of approaches in the same way as other theories have. Investigating the background and history of regionalism in architecture, the present paper attempts to develop prevailing approaches to architecture through looking at scientific viewpoints and evidence. The methodology is qualitative and analytical-interpretive. Documentary research has also been conducted. The findings of studies show that regionalism has been subject to a dramatic change from nativity approaches and physical interpretations and stylistic, geometric as well as aesthetic regional issues to contemporary approaches, social, cultural and ecology matters and human interactions, and it attempts to adjust old prejudiced restrictive thought patterns, strengthen interactive approaches and make the most of global benefits. Emphasis on public participation, establishing patterns based on local needs and potentials aiming at sustainable development, replacing down -top approach to establishing patterns for top-down approach, special consideration of human needs, cultural, social and normative values aiming at resisting homogenized artificial environment, strengthening sense of place, replacing creative protection for reactionary attitude, critical as well as interactive regionalism are all among prevailing regionalistic approaches within physical, ecology and semantic frameworks.

Keywords: ***Regionalistic Theory, Place, Critical Regionalism, interactive Regionalism, Contemporary Architecture.***